

# راپورت خفیه اندر الاحواللار رعایای دواروساز

محمد رضا جعفرزاده  
دانشجوی داروسازی شهید بهشتی

منورالفکرتر شده، در باب مصائب دوائیه به ادراکات مخصوصه مشرف بشوند. عرض کردیم آنچه ما کتاب کنیم موجب منور شدن افکار رعایا که نشده هیچ، یمنک رئوس مبارکشان منور شده، حاجت به مو-آر (۱) مینوکسیدیل و امثالهم افتد، فلذا بر بار مشکلات افزوده شود. فرمودند: شما مرده را بشورید، کفنش به شما مربوط ندارد! عرض کردیم: به چشم.

گفتیم حال که ایام ربیع است و طبیعت در حالت تغییر و تحول و زندگانی مجدد بوده، ما هم از تغییر و تحولات بگوئیم که چه بر سر رعایای دواساز گذشته.

یکم: به قاعده چند ماه قبل انتخابات انجمن دواسازان متفق شده. فی الواقع انتخابات از مسائل مهمه مملکت محسوب شده و هر کس از اهالی بلاد از این بابت پروپاگاندا کرده و افعال مختلفه اجرا می نماید.

چند نفر از رجال دواساز اهل شباب نیز داخل یک فرقه شده به اسم «پایونیر». محافل غیبی دایر کرده و از بابت این که هر کس که رئیس انجمن

حق والانصاف هیچ کجای ممالک دنیا به قاعده مملکت محروسه ایران زیبا و مستحسن نبوده علی الخصوص در ایام موسم ربیع که در هر شارع و کوی و برزن انواع قرنفل و شب بو و یاسمن و گل های مختلفه در الوان مختلف روئیده، مسبب انبساط روحی آدمیزاد می شود.

مزید بر این ها اداره جات بلدیة طهران هم هر جا رض لم یصنع بوده به طرفه العین بطور باغچه ساخته، هر آنچه از نباتات در آن پرورانده، چند جگ و جانور از جغد و کفتار گرفته تا گاو و استر و شیر و هلنگ در آن جا فراهم آورده، موجبات حظ بصر رعایا شده. فی الواقع استر و گاو که به کثرت روئت می شود لکن شیر و هلنگ محل اعتناست!

باری، چند نفر از رعایای دواساز مملکت از ما عنایات خاصه مستلث کردند از بابت این که برای آنها راپورت خفیه در امورات دوا و دواسازی مکتوب نمائیم. عرض کردیم راپورت نویسی مخصوص جواسیس بوده و فعل قبیحی است. فرمودند: راپورت را بطور علانیه و از بابت امورات اجتماعیه مکتوب کنید تا عامه دواساز قدری

بشود قرار شده در آتیه چه کند، اظهارات عجیب و غریب می‌فرمایند. معلوم شده هر نفر که رئیس شود، دیگر اوضاع دواخانه‌های مملکت بطور بلاد فرنگ پروگرس کرده و فابریک و اداره جات دواسازی بنا شده و فاکولته و کولژ در هر دهات درست کنند. و دیگر هیچ کس از بابت استخدام در اداره و فابریک و تأسیس دواخانه و از این قبیل معطل نشده، اوضاع دواخانه‌ها گلستان شده و دوا بطور نخودچی و کشمش در دکاکین عطاری فرونی یابد. بعون الله تعالی.

از این جماعت یک نفر به اسم میرزا حسین خان عضدالملک که با ما داخل رفاقت بوده، با عرق جبین و کدیمین و به معونت چند نفر دیگر فرقه پایونیر را دایر کرده، مواجیشان را جمع کرده از برای فوائد عامه دواسازان مصروف می‌نمایند. دویم به قاعده یک سنه بوده که یک چند نفر از رعایای دواسازان اعظم دواسازهای مملکت طهران وکیل پارلمنت گشته، هر کس از رعایای این بابت مشعوف بوده بخاطر این که یک چند نفر پیدا شده از حقوق حقه رعیت دواسازان مدافعه نماید. یک فقره نظامنامه در سنه ۱۳۳۴ در پارلمنت تصویب شده که به موجب آن اداره جات و قومپانی‌ها و موسسات دولتی، مشروط به اذن وزارت صحیه مجاز به تأسیس دواخانه بوده. از این بابت جماعتی از رعیت اهل شهاب که اخیراً فارغ شده اند (از تحصیل) متضرر و بیکار شده، یحتمل تا ابدالدهر صاحب «دواخانه» که نشوند هیچ، کثرت شداید صحت و سلامت را از وجود مبارک زدوده، عمارت شخصیه را به «خانه دوا» بدل نمایند.

علی‌ای حال که ورقه مجوز دواخانه در مملکت طهران شصت کروور تومان بهاء داشته و

اقتصادیات دواخانه در راسته ناصر خسرو تعیین می‌شود و هر چه رعیت دواساز جوان بوده عمه تجار شده، هر کس درس دواسازی بخواند مجنون فی الحال الی الابد است. لہذا برای ترفیع مصائب قبلاً به حرفه دواسازی واجب است سیبیل جماعت دواساز را دود داده تا از بار گران مشکلات کم شود و اگر آفاقه نکرد، کردن همه را از دم تیغ عبور دهند، سلمنا خواهد فایده کرد.

سیم: مسموع شده که «میرزا ابوالحسن خان احمدیانی دبیر باشی» یک پروگرام رفرم داده از بابت علوم عالیہ دواسازی که هر کس بخواید به تحصیل علوم عالیہ داخل شود، باید السنه فرنکی بطور تمام و کمال بلد بوده، بطرفه العین مقالات دیلماجی نماید. خداوند میرزا را برای وزارت صحیه محافظت بفرماید.

این میرزا ابوالحسن خان دبیر باشی هم عجب فرمایشات غریبی می‌فرمایند. آخر کسی لسان پارسی را که شکر است گذاشته، لسان فرنکی که السنه اجنه و از ما بهتران بوده یاد می‌گیرد؟ زیاده بر این هر نفر را که نمره قبولی اخذ کند سوال و جواب کرده، استفسار می‌فرمایند. خدا بخیر بگذرانند. آدمیزاد یاد سوال و جواب شب اول قبر می‌افتد.

## روولسیوننما دلبراً به کوی دوا

که آن که کرد چنین، رفت روی هوا

چهارم: بقاعده چند ماه قبل بوده که در محال جام غم طهران، در سالون اداره جات رادیو و تله‌ویزان یک فقره کنکرس توسط فاکولته دواسازی شهید بهشتی در باب طب سنتی و مفردات پزشکی برپا شده، جماعت طبیب و دواساز و حکیم و قابله

و ... از خارجه و داخله و ممالک فرنگ در آن محضور گشته، مباحثات می فرمودند.

چند فقره عمارت های مطول در چند اشکوب و باغ های مفرح و شوارع عریض در اداره جات رادیو وتله ویزان بوده که در هر عمارت زیاده بر چند سالون و تالار و محل اکسپوزیسیون بطور محیرالعقول تحت الارض درست کرده به مبالغ گزاف اجارت می دهند. در هر جا مبالغی اسباب مغناطیسی و صوتی وچه و چه و چه بوده، فی المجلس عکس هر نفر را در چند سالون نمایش می دهند. فی الحال علم به قدری پروگرس کرده که هر مکان را رؤیت می نمائیم، آلات مغناطیسیه به وفور بوده. به قدر چند ساعت به جان مهندسان جاپونی دعا کردیم. داخل عمارت یک لقانطه بوده که هر زوراطمه و اشربه به سبک و سیاق فرنگی سرو کرده، چاهی و شیرینی جات به قدر ده من تبریز مهیا کرده به میل رعایا می رسانند. سرآخچند دست خلعت بین رعایای برگزیده تقسیم کردند.

بلد طهران فی هذه الايام یک طور غریبی بوده، عوالم جویه سرد و برد بوده از آسمان باراندگی باریده، هیچ گرد و غبار و منواکسید کربن در هوا نبوده. اگر اوضاع به این منوال دوام یابد، از بابت این که رعیت علی الخصوص اتباع خارجه عادت نداشته یمکن فشار گاز منواکسید کربن خون شان کم شده به امراض مختلفه مبتلا آیند!

پنجم: الیوم علی رغم همه پروگرام ها و کنگرس ها و قس علی هذا، حساب معضله اصلی که مسئله دوا بوده به طور علی حده به قوت خود باقی مانده. در یکی از بلاد تابعه که باتفاق رفقاء مشرف بودیم، برودت بریکی عارض شده سخت نزار و بیمار شد. علی طریق المألوف بیمار را به

یک دارالشفاء جدید التأسیس بوده، قصد دوا و درمان کردیم. یک نفر طبیب اهل شباب که وی نیز از تجهیزات جدیده مریضخانه بوده، به تفصیل سیاهه ای از دوا مکتوب کرده به ماسپرده. از کثرت مشغله، نسیان بر وی عارض شده، متذکر نشد که بی خود از پی دوا در این بلاد تابعه وقت مصرف نداریم. سیاهه را برداشته، عازم دواخانه شده تا دوا ابتیاع کنیم. نسخه را به دواخانه چی که دادیم، یک طوری به ما نگاه کرده فرمود: آوردن آنتی بیوتیک و آنتی هیستامین و این گونه دواهای تجملاتی به این بلاد ضرورت نداشته، از آن بابت که عوام الناس بر علیه امراض عفونیه مصون بوده و موزعین بدون دلیل قفسه های دواخانه را با این ادویه اشغال نمی فرمایند. علی ای حال بیمار بایست به خداوند توکل نماید که صد البته در هر حالت بایست بکند!

با خودمان گفتیم این شارح ناصر خسرو هم عجب نعمت عظیمی است که خداوند به رعایا و عوام الناس طهرانی عنایت فرموده! کاشکی در سایر بلاد نیز به سیاق بلد طهران شارعی را به این اسم مسمی می کردند تا جماعت دوا باز در آن نازل شده، هر کس حاجت به دوا داشت به دامن این جماعت سابع الطریق (۲) متوسل شود.

البته این جماعت دوا باز هم از هیچ فعلی در این بابت قصور نکرده، هر قلم دوا را به صد مقابل تر از خون ابوی شان به خلق الناس قالب می فرمایند. سعیهیم مشکور، اجدهم محفوظ. انشاء...

زیرنویس:

۱- مو. آر معجونی است که خلاف معاجین قدیمی که مو. بره بودند، رنوس بلانسیت کچل را کرنلی می بند.

۲- منظور همان هفت خط خودمان است.